

سازمانده کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۱ اردیبهشت ۱۳۸۵

۱۶

جمعه ها منتشر میشود

محمود قزوینی

وظایف فعالین کارگری در مقابل

مراسمهای اول ماه مه رژیم

مراسمهای رژیم را هم باید تحریم

کرد و هم به ضد خود بدل کرد!

مصاحبه تلویزیون پرتو با مظفر محمدی درباره اول مه، روز جهانی کارگر

فرا تر از یک روز و یک مراسم و یک بزرگداشت است.

پرتو: اگر سال ۸۴ را نگاه کنیم پر از اعتصابات کارگری و نارضایتی و عصیان کارگری است و از طرف دیگر ناکامیها و ود و جان به لب رسیدنشان یک طرف. جایگاه اول ماه مه در چنین شرایطی چگونه است؟ اگر پیشروان کارگری مشتاق به سرنوشت خودشان بخواهند زیر یک سقف جمع شوند چه دارند که به هم بگویند چه نکات مهمی هست که بگویند؟

مظفر محمدی: گفتم که میشود روز اول ماه مه در محافل صد نفره و هزار نفره جمع شد و یا با ده هزار نفر در خیابان رژه رفت و گفت که دستمزدها افزایش پیدا کند و حقوق معوقه را بدهید، کارگر خیلی بدبخت و بیچاره است، به داد کارگر برسید، کارگر خیلی زحمت میکشد و غیره. یک مسئله است. من فکر نمیکنم اول ماه مه مشکلات طبقه کارگر را حل کند ۲

یک مراسم، یک روز بزرگداشت و از این قبیل نگاه کنیم خوب ساده میگردد. مثل هر مراسم و تجلیل و بزرگداشت دیگر. عده ای جمع میشوند و مراسمی برگزار میکنند و بر میگردند خانه هایشان. منتهی روز جهانی کارگر علاوه بر اهمیت تاریخی اش و اینکه مساله ای جهانی است و تمام طبقه کارگر در یک روز میخواهند نمایش قدرت بدهد، به خاطر موقعیت و شرایطی که امروز و در آستانه اول مه امسال، بشر و طبقه کارگر در آن زندگی میکند، اهمیت دارد. اگر اول مه را اینطور نگاه کنیم، اگر کارگر بیاید و بگوید سرنوشت بشر را عده ای دیگر دارند تعیین میکنند، بگوید کارگر برده نیست. کارگر صاحب جامعه است و دیگر نمیخواهد سرنوشت جامعه را بوش و پنتاگون و بلر و در دالانهای نوکران سرمایه و یا در حوزه های علمیه تعیین شود. طبقه کارگر باید سرنوشت بشر را تعیین کند، اگر اینطوری نگاه کنیم اول مه خیلی

پرتو: اول ماه مه را پیش رو داریم هیچ لازم میدانید که کارگران را برای شرکت در اول ماه مه تشویق یا تهییج کنید؟

مظفر محمدی: روز جهانی کارگر را میشود از زوایای گوناگون نگاه کرد. مسئله این نیست که کارگر را تشویق یا تهییج کنیم که این کار را بکنند. مسئله اینست که کارگر روز جهانی کارگر را چگونه میبیند. آیا این را مثل یک مراسم، مثل یک اعتصاب میبیند؟ آن را گوشه ای و در ادامه مبارزه اقتصادی دیروزش میبیند، میخواهد خواستهایی را مطرح کند؟ میخواهد خود را متحد کند؟ چطور این را نگاه میکند. اگر قرار است کارگران یا رهبران و فعالین کارگری با هم بنشینند و تصمیم بگیرند بالاخره باید اول دید که اول مه را چگونه میبینند.

پرتو: مگر نه این است که اول مه فقط یک روز است؟ مظفر محمدی: اول مه ظاهرا یک روز است. اما اگر این روز را مثل

جمهوری اسلامی از زمان روی کار آمدنش تا کنون، همیشه تلاش کرده است تا با اول ماه مه مقابله کند و کارگران را از برگزاری مراسم اول ماه مه بازدارد. در سالهای اوائل جمهوری اسلامی حتی به برگزاری مراسم نمایشی نیز نمیپرداخت. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و گله های حزب الله در آنزمان کارشان حمله به نمایشات عظیم اول ماه مه بود، که توسط کارگران و جریانات چپ برگزار میشد. جمهوری اسلامی پس از اینکه به تجربه دریافت که سنت برگزاری اول ماه مه در میان طبقه کارگر در ایران و جهان عمیقتر از آن است که بتوان از آن جلوگیری به عمل آورد و

تبلیغاتشان با بازگو کردن همین نمونه آخر، یعنی سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد و اعتصاب آنها توسط رژیم و حمله مستقیم شوراهای اسلامی و خانه کارگر به سرکردگی چاقوکشانی چون محجوب و صادقی به مجمع عمومی سندیکا و رهبران و فعالین آنها، سرکوب کارگران در خاتون آباد، دستگیری برگزارکنندگان اول ماه مه در سقز، زندانی بودن اسانلو رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر مثالهای زنده، کارگران را دعوت به تحریم این مراسمهای مضحک ضد کارگری کنند.

فعالیت بر علیه مراسم رژیم در روز اول ماه مه ۳

رژیمی است که کارگران در آن از ابتدائی ترین حقوق خود مانند حق اعتصاب و تشکل و... محرومند. مراسمهای مضحکی که گرداندگانش چاقوکشان و بازجویانی مانند محجوب و ربیعی و... هستند که حمله به مراسم مستقل کارگری، ضرب و شتم و دستگیری رهبران و فعالین کارگری و شکنجه و اعدام آنها شغل شریفشان است.

یک وظیفه مهم هر فعال کارگری و هر کمونیست این است که مراسمهای ضد کارگری اول ماه مه رژیم و اهداف آن را افشاء سازد و از همه کارگران و مردم بخواهد که در مراسمهای رژیم شرکت نکنند. فعالین کارگری باید در

سرکوبش کرد، پس از اینکه دید علاوه بر سرکوب گسترده سالهای ۶۰، سنت گرامیداشت اول ماه مه در میان کارگران قوی است، به تاکتیک سازش با اول ماه مه روی آورد و در قانون کار اسلامی که در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس اسلامی رسید، روز اول ماه مه را تعطیل رسمی اعلام نمود و تلاش نمود تا هر سال خود نیز نمایش مسخره ای به عنوان روز کارگر برگزار کند.

مراسمهای دولتی اول ماه مه رژیم اسلامی که توسط خانه کارگر و شوراهای اسلامی اجرا میشود را میتوان هر چه نامید جز مراسم روز کارگر. این مراسمها، مراسم مضحک

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

یا فرض کنید معضلاتی را که دامنگیر طبقه کارگر است در این روز حل شود. اگر اینطوری بخواهیم به مراسم ماه مه برویم باید برویم آنجا و شرح بدبختی ها و مصیبت‌هایمان را برشمیریم. چقدر زندانی دادیم، چقدر خانواده ها متلاشی شدند، کارگران چقدر حقوق معوقه دارند چقدر کارگر اخراج شد.

روز جهانی کارگر اینطوری نیست. اول مه روزی است است که طبقه کارگر یک مملکت حال در سطح جهانی اش بجای خود، میاید و میگوید من بعنوان طبقه کارگر با این سیستم تبعیض و نابرابری و اب سرمایه داری و جنگ‌هایش و با استثمار و سرکوب و نظام برده داری و تحمیل فقر و گرسنگی و اعتیاد و فحش‌هایش و با همه این بلاهایی که سر مردم آورده و میاورند مخالفم. این سرنوشت بشر نیست و نباید باشد. سرنوشت بشر را نباید یک عده مفتخور و جانی و سودجو ضد انسان تعیین کنند. دیگر نمیپذیرم میلیون میلیون انسان از گرسنگی بمیرند. جنگ افروزی‌هایتان را بر میچینم، این شیوه اداره جامعه شایسته انسان نیست. این حیوانی است و ما دنیای بهتری را میخواهیم بسازیم. طبقه کارگر حضور دارد، من در جامعه حضور دارم و من حرف دارم برای جامعه.

این روز، روزی است که باید سرها بسوی طبقه کارگر برگردد. وگرنه اگر کارگران مثل روزهای دیگر بشینند و سر توی سر هم کنند و شرح بدبختی‌هایشان را بدهند خوب این دیگر ربطی به مردم دیگر و به جوان و زن و کارمند و به دانشگاه و محله و غیره ندارد. باید توجه کل جامعه را به خودش جلب کند. مردم بگویند ببینم کارگران امروز چه میگویند؟ طبقه کارگر در مورد جنگ نظرش چیست در منطقه؟ در مورد مساله هسته ای چه نظری دارد؟ در مورد این اتفاقاتی که در دنیا میافتد نظرش چیست؟ در مورد فوری ترین مسایل جاری نظرش چیست؟ در مورد اسانلو و آزادیش چه میگوید و چه میکند... از مسائل مهم جهانی گرفته تا مسائلی که یخه طبقه کارگر و مردم را گرفته است. اگر این اتفاق بیفتد اول مه در شرایط امروز جایگاه مهمی پیدا خواهد کرد.

این برای فردای روز کارگر پشتوانه عظیمی است. حضور طبقه کارگر، نمایش قدرت طبقه کارگر، ابراز وجود طبقه کارگر در اول ماه مه پشتوانه فرداست. پشتوانه هفته بعد و ماههای بعد است

پرتو: شما هر چه در مورد اول ماه مه، طبقه کارگر، اعتراضات کارگری هر چه بگوییم باز و هنوز موانع زیادی مطرح میشوند. برای مثال همه جا تعطیل نیست، هنوز معلوم نیست میتوانند تعطیل کنند، هنوز تجمعاتشان معلوم نیست. شما چه فکر میکنید؟

مظفر محمدی: میفهمم که مساله ساده ای نیست و پیچیده است. در کشورهایی هم که بهر حال آزادی‌هایی برسمیت شناخته شده اول مه خیلی آیکی شده. یک عده سوسیال دموکرات و اتحادیه های کارگری کارگران را جمع میکنند و یک آقایی میاید و برایشان سخنرانی بی خاصیتی میکند و تمام میشود و میروند خانه هایشان. در ایران هم بلاخره خانه کارگر و محجوب میگوید صد هزار کارگر را میتوانم جمع کنم. و یا در گوشه و کنار محافل کارگری مشغولند و کارهایی دارند میکنند. مسئله مهم تدارک اول ماه مه است. کاش میشد به جای محجوب رهبران کارگران در شرکت نفت، ذوب آهن، ماشین سازی و نساجیها و شرکت واحد این حرف را میزدند. و اینها جلو میافتادند و میگفتند ما صد هزار کارگر را در خیابانهای تهران جمع میکنیم. این کار امیدوارم بشود. حتی اگر این کار نشود و تعدادی از فعالین کارگران حتی اگر مجبور شوند در روز جهانی کارگر بروند و توی روی محجوب بگویند تو بیخود میگویی و حرفهای خودش را تو رویش بزنند و حرفهای خودش را بزنند این امکان پذیر است. حتی آنجایی که مجبورشان میکنند کار کنند که امیدوارم اینطور نباشد و تعطیل شود، اگر یک ساعت آنجا حرف کارگر را بزنند و کارگر را نمایندگی کنند باز یک کار و یک راه دیگر است. بهر حال راههای گوناگونی وجود دارد و ابتکارات زیادی میشود به خرج داد تا کارگران را بسیج کرد و اول مه با شکوهی را برگزار نمود. اگر در جریان اول ماه مه ۵ تا سخنرانی کارگری و

سوسیالیستی بشود، چند تا قطعنامه کارگری صادر و تایید گردد، که امیدوارم یک قطعنامه سراسری باشد، که صحبت از این میکند که کارگر باید سرنوشت جامعه ایران را تعیین کند، ما با جنگ مخالفیم، اسانلو فردا باید آزاد شود...، آنوقت ما میتوانیم ادعا کنیم که اول مه میخشد را کوبیده است و از فردای روز کارگر، طبقه کارگر قدرتمندی داریم. و جامعه بازتر و امیدوارتری در پیش رو داریم.

پرتو: آیا میشود گفت که اول ماه مه و روز جهانی کارگر بازتاب یا آینه ای است در مقابل وضعیت واقعی طبقه کارگر در ایران، شما اگر بخواهید به کارگران ایران در مقابل استقبال از اول ماه مه ظرفیتهایشان را یادآوری کنید به چه چیزهایی اشاره میکنید؟

مظفر محمدی: ببینید تا هم اکنون اعتراضات و مبارزات کارگری را رهبران کارگری دارند هدایت میکنند. خیلیها دارند با چنگ و دندان از کارگر و منافعش دفاع میکنند. الان میتوان برای مثال شرکت واحد را یک نمونه از نقطه قدرت طبقه کارگر به حساب آورد. شرکت واحد سندیکا دارد، متشکل است، رهبران خودش را دارد، در مقابل استبداد ایستاده، رهبرش الان در زندان است و حتی کارگرانی که اخراج شده اند و در شرایط فلاکتباری زندگی میگذرانند میگویند ما با چنگ و دندان از سندیکایمان دفاع میکنیم، حقمان را میخواهیم، رهبرمان باید آزاد شود. این نمونه خوبی است. اگر از این نمونه ها و از این نقاط قدرت را ما بچسبیم من فکر میکنم طبقه کارگر در ایران باید گامهای خیلی سریعی را رو به جلو بردارد.

متاسفانه این موقعیت در ماههای قبل از اول مه درک نشد و در شرایطی که سندیکای شرکت واحد و کارگران مبارزه میکردند طبقه کارگر ایران به میدان نیامد و شرکت واحد را تنها گذاشت. این ضعف بزرگی است. اما امکان پر کردن این خلا هنوز وجود دارد. آیا اول ماه مه گامهایی در این زمینه و برای جبران این کمبود برداشته میشود؟ آیا رهبران کارگران میایند و میگویند ما هم طبقه ای هایمان در شرکت واحد را حمایت همه

جانبه نکردیم و اشتباه کردیم. میگویند و میخواهند که همین امروز باید اسانلو آزاد شود؟ میگویند سندیکا باید به رسمیت شناخته شود؟ میگویند خواسته های کارگران شرکت واحد باید بی قید و شرط اجرا شود؟ اگر طبقه کارگر یک سنگر را بگیرد بقیه سنگرها را یکی یکی فتح میکند. از نظر من اولین سنگری که باید فتح شود آزادی اسانلو و برسمیت شناسی سندیکای شرکت واحد است. اگر در این کار موفق شویم، سنگرهای بعدی را میتوانیم بگیریم.

پرتو: شما با شهرهای دیگر در رابطه با اول ماه مه و مراسمشان در ارتباط هستید چه مشکلاتی پیش رو هست اگر خیلی خلاصه بگویید؟

مظفر محمدی: کارگر الان متشکل نیست، سندیکا ندارد، شورا ندارد، مجامع عمومی اش هنوز سازمانیافته نیست، رهبرانش هنوز با هم نیستند، محافل خیلی پراکنده است، گرایشات مختلف دارند چانه میزنند بر سر اینکه قطعنامه را تو ندهی و من بدهم شما چند نفرید و ما چند نفریم، معضلات خیلی پیچیده ای وجود دارد. با وجود این فکر میکنم از پایین و در میان کارگران و کل طبقه کارگر گوش به زنگ است که فردا چه اتفاقی میافتد؟ اول ماه مه چه اتفاقی میافتد. اگر رهبران و فعالین کارگری و کارگران سوسیالیست، کارگران بخواهند میتوانند این موانع را کنار بزنند و خلا رهبری کارگر را برای یک نمایش قدرت و برای این که افقش را جلوروی جامعه بگیرد، پر کنند. این رفقا و دوستان میتوانند دستشان را در دست هم بگذارند، فرقه گرایی را کنار بزنند و همه با هم هم کنند تا کارگران را بسیج کنند. میلیونی و دهها هزاری اگر نشد، در ابعاد هزاران نفر کارگر و خانواده های کارگری را جمع کنند. این کار امکانپذیر است. باید تدارکش را دید.

پرتو: و بلاخره چند کلمه در مورد جنگ. خواست کارگران، اول ماه مه و ربطش به آن. این چیزی است که جامعه هم انتظار دارد.

مظفر محمدی: من فکر میکنم اگر اول ماه مه برگزار شود و صد تا

متحد شوید! به حکمتیست ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!



خواست کارگری مطرح شود و خیلی از این حرفها زده شود اگر بحث جنگ در آن نباشد معنی اش این است که طبقه کارگر در یک صحنه مهمی که سرنوشت میلیونها مردم را در خاورمیانه و در جهان دارد رقم میزند غایب است. طبقه کارگر باید حرف بزند در مورد جنگ. باید بگوید من با جنگ مخالفم. باید بگوید من جلو جنگ را میگیرم. طبقه کارگر باید بگوید که امریکا باید سر جای خودش بنشیند و دست از قلدری و آقابالاسری دنیا بردارد. طبقه کارگر و مردم ایران خود سرنوشت خود را تعیین میکنند. آیا معنی این کار این است که طبقه کارگر میروند کنار جمهوری اسلامی؟ قطعاً اینطور نیست. طبقه کارگر و مردم همزمان به رژیم احمدی نژاد اعلام میکنند که نمیتواند و نباید فضای نظامی درست کرده و این شرایط را بهانه کند تا حقوق و آزادیهای مردم را پایمال نماید. اگر این اتفاق نیافتد اول ماه مه ضعیفی خواهیم داشت.

کمیته تشکلات کل کشور

bahram-modarresi@freenet.de

agolchini@yahoo.com

mohammadi@yahoo.com

بهروز مدرسی (دبیر)
اسد کلپینی
مظفر محمدی

مسلم در روز اول ماه مه فعالین کارگری خود درگیر برگزاری مراسم مستقل خود هستند و باید هم تلاش شود تا کارگران هر چه وسیعتر در این مراسم شرکت کنند. اما اگر نیرو و امکان آن باشد باید فعالین کارگری فعالیت دیگری را نیز که اهمیت آن کم نیست در دستور خود بگذارند. باید در روز اول ماه مه نیز فعالیت بر علیه مراسم رژیم را ادامه داد. اما چگونه؟ در سالهای اخیر شوراهای اسلامی و خانه کارگر با طرح برخی از مطالبات کارگری مانند لغو قانون خارج شدن کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار و بیمه و مطرح کردن افزایش بسیار ناچیز دستمزد، سعی کردند کمی مخالفت نمائی کنند و خود را با کارگران همراه نشان دهند. در سال ۱۳۸۰ خانه کارگر و شوراهای اسلامی توانستند با محوری کردن شعار مخالفت با قانون خارج شدن کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار در روز اول ماه مه تعداد زیادی از کارگران را به مراسم رژیم بکشانند. در سالهای اخیر با شرکت بخشی از کارگران در تظاهرات خانه کارگر و شوراهای اسلامی، مسئله امکان خارج شدن کنترل تظاهرات از دست خانه کارگر و دیگر ارگانهای رژیم معضل هر ساله رژیم و خانه کارگر و شوراهای اسلامی شده است. علاوه بر اتخاذ روشهای متنوع برای کنترل مراسم دولتی اول ماه مه، در سالهای اخیر کارگران به روشهای مختلف کنترل مراسم را از دست گردانندگان آن خارج کرده اند، فعالین کارگری در میان تظاهرات برای بخشی از همکاران خود سخنرانی کرده اند، قطعنامه خوانده اند و....

این شرایط وظیفه دیگری را نیز در مقابل فعالین کارگری قرار میدهد. اگر علاوه بر تلاش فعالین کارگری برای تحریم مراسم رژیم، بخشی از کارگران در این مراسم شرکت میکنند، باید فعالیت در میان کارگران

را در مراسم دولتی رژیم هم ادامه داد. فعالین کارگری باید با نقشه در چنین مراسمهای دولتی شرکت کنند. در آنجا به افشای ماهیت خانه کارگر و شوراهای اسلامی بپردازند. مطالبات رادیکال را پیش بکشند. کارگران را ترغیب کنند تا سخنرانان خانه کارگر و رژیم را هتک کنند و با کارگران وسیعتری در آن محل آشنا شوند و....

جا دارد در اینجا به تجربه سال گذشته بخشی از فعالین کارگری اشاره کنم که با نقشه دقیق توانستند در یک مراسم خانه کارگر در استادیوم ورزشی در تهران شرکت کنند و اکثریت شرکت کنندگان در مراسم را بر علیه برگزارکنندگان مراسم، مسئولین رژیم و به حمایت از سندیکای کارگران شرکت واحد بکشانند. در این مراسم کارگران شرکت کننده در حمایت از سندیکای شرکت واحد شعار دادند و مطالبات بسیار رادیکالی را طرح کردند و اعلام کردند تشکل مستقل حق مسلم کارگران است.

این تجربه بسیار موفق بوده است که باید فعالین کارگری از آن درس بگیرند و آن را بکار ببندند. اما باید متوجه بود و به الگوپردازی خشک و کلیشه ای از این تجربه موفق نپرداخت. در مراسمهایی که کارگران معمولی شرکت ندارند و فضای مراسم به شدت رژیمی است نمیتوان کاری را پیش برد و نباید نیرو هرز داد و در آنها شرکت کرد. روشن است شرکت یک فعال کارگری در مراسم دولتی، بر علیه خود مراسم و دست اندکاران آن است. ادامه سیاست تحریم و تبلیغات قبل از مراسم روز اول ماه مه است. این نوع شرکت کردن در مراسم با شرکت کردن محمود صالحی در مراسم اول ماه مه سال گذشته در شهر سقز که با دعوت فرماندار صورت گرفت و بسیار محترم در کنار بقیه سخنرانان در آنجا به سخنرانی پرداخت متفاوت است. پذیرش هر نوع دعوت رسمی از ارگانهای رژیم، به پیشبرد بیدرد سر

مراسم رژیم کمک میکند و چهره رژیم و دست اندکارانش را تطهیر میکند، حتی اگر سخنران حرفهای رادیکالی در مراسم بزند. شرکت محمود صالحی در مراسم دولتی سال گذشته یک اشتباه بوده است و نباید از طرف هیچ فعال کارگری تکرار شود. محمود صالحی نباید پیش از این بر صحیح بودن این تاکتیک اشتباهش اصرار ورزد. هدف محمود صالحی از شرکت در مراسم خانه کارگر و شوراهای اسلامی هر چه بوده باشد، نتیجه آن به سود دست اندکاران مراسم دولتی بوده است.

در آخر یکبار دیگر بر این تاکید میکنم که فعالین کارگری ضمن اینکه تلاش اساسی خود را بر برگزاری مراسمهای مستقل اول ماه مه میگذارند و به تبلیغ سیاست تحریم مراسمهای دولتی میپردازند، نباید از شرکت در مراسمهای دولتی که بخشی از کارگران در آن شرکت میکنند و امکان طرح مطالبات کارگری در آن است، غافل شوند. در این مراسمها فعالین کارگری باید به افشای ماهیت خانه کارگر و رژیم بپردازند و بخصوص در شرایط حاضر به تبلیغ بر علیه فشارها و تضییقاتی که رژیم به بهانه بحران هسته ای وامکان حمله آمریکا دست میزند بپردازند. فعالین کارگری باید به کارگران بگویند که ما قبل از هر مسئله ای دارای حقوق پایه ای مانند رفاه و حق تشکل و اعتصاب هستیم که خواهان دستیابی فوری به آنها هستیم. خواهان آزادی فوری اسانلو و رسمیت یافتن سندیکای شرکت واحد هستیم و هیچ عذر و بهانه ای را هم در این رابطه نمیپذیریم. در کل فعالین باید این مراسمها را به ضد خود تبدیل کنند، کنترل آن را از دست مسئولین رژیم و خانه کارگر خارج کنند و مطالبات و خواسته های واقعی کارگران را طرح کنند. در غیر این صورت فعالین کارگری هم نباید در این مراسمها شرکت کنند.